

روابط هند و آسیای غربی تحت دولت ملی‌گرای نارندرا مودی*

ترجمه: محمدنادر آزادپور^۱

چکیده

گفتمان سیاست هند در آسیای غربی به طور سنتی حول محور وابستگی به انرژی، امنیت و رفاه هفت میلیون هندی ساکن در منطقه، سیر میکند. در سال‌های اخیر، به ویژه از زمان به قدرت رسیدن حزب بهاراتیا جاناتا در سال ۲۰۱۴، مسائل مبارزه با تروریسم، امنیت، همکاری‌های دفاعی و تجارت غیرنفتی اهمیت یافته است. این تغییرات کیفی تا حدودی بر اساس عملگرایی و تفاوت‌های ایدئولوژیک حزب بهاراتیا جاناتا و سلف آن هدایت و پشتیبانی شد، که علیه خط مشی سیاسی حکومت سابق حزب کنگره ملی هند در غرب آسیا، برقرار شد. این مقاله بواسطه تبیین دیدگاه‌های ایدئولوژیک حزب کنگره ملی هند و حزب بهاراتیا جاناتا، مدعی است که تغییر چشم‌انداز جهانی و آسیای غربی، تثبیت نفوذ چین پیرامون مرزهای زمینی و دریایی هند، بی‌ثباتی در بازار انرژی و ناامنی پادشاهی‌های عربی ناشی از قیام‌های موسوم به بهار عربی فرصت مناسب را برای دولت بهاراتیا جاناتا برای جهت‌یابی و بازنگری مجدد روابط هند با آسیای غربی فراهم نموده است. در حالی که مشخصه‌های ایدئولوژیک بر گفتمان عمومی غلبه دارند، همانطور که رهبری عالی حزب بهاراتیا جاناتا به طور دقیق و با جزئیات در حوزه عمومی شرح داده است، خط مشی‌های گزینش شده همیشه با این مشخصه‌های ایدئولوژیک هماهنگ و موافق نیست. نارندرا مودی، نخست‌وزیر، عملگرایی را بر ایدئولوژی ارجحیت داده است، و این کار را فراتر از انتظارات حزب و حامیانش انجام داده است.

واژگان کلیدی: آسیای غربی، هند، نارندرا مودی، حزب بهاراتیا جاناتا، کنگره ملی هند

* Omair, Anas (2021). "India–West Asia Relations Under the 'Nationalist' Modi Government", *International Studies*. 58(1). pp. 59–79. oanas@ybu.edu.tr

^۱ کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران azadpour.mohamadn@yahoo.com

مقدمه

با به قدرت رسیدن نارندرا مودی بعنوان نخست وزیر از سال ۲۰۱۴، بسیاری از کارشناسان سیاست خارجی در هند استدلال کردند که هند در حال آغاز راهی برای پایان دادن تدریجی به سیاست خارجی دوگانه و فاقد میل خودش است. رهبری فعالانه و بین‌الملل‌گرای مودی با رهبری نهرو مقایسه شده است (Mohan, 2015). اگرچه ابتدا بسیاری از منتقدان به فقدان «دید راهبردی»، «راهبرد کلی امنیت ملی» و «ایده‌های نوین و هم‌افزایی» اشاره کردند، نارندرا مودی سیاست خارجی را نخست با سیاست‌های «اولویت همسایگی» و «اقدام شرقی» تقویت کرد و جاه‌طلبی‌های هند را بعنوان یک قدرت پیشرو و برجسته مطرح کرد (Jaishankar, 2016). چشم‌انداز سیاست غرب آسیایی هند تحت حکومت نارندرا مودی، منطق ایدئولوژیک و نیز عملگراییانه جدیدی جهت پایان دادن به بی‌میلی طولانی مدت خود برای تنظیم مجدد روابط، یافته است. زمینه‌های متغیر جهانی و منطقه‌ای، همچون ریشه‌های ایدئولوژیک تصمیم‌گیرندگان دهلی نو، برای توجیه بازسازی سیاست غرب آسیا بکار برده شده است. پایان جنگ سرد نه تنها برای هند بلکه برای دیگر اعضای جنبش عدم تعهد مشکلات و مسائل بسیاری را ایجاد کرده است. انقلاب اسلامی در ایران، جنگ ایران و عراق، حمله شوروی به افغانستان و خروج تحقیرآمیز از افغانستان، حمله عراق به کویت و مداخلات نظامی آمریکا متعاقب آن در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ برای حذف صدام حسین تحولاتی بودند که الگوی عدم‌تعهد سیاست خارجی هند را کاملاً متزلزل نمودند. بازیگران کلیدی جنبش عدم‌تعهد همانند مصر از جهان عرب، روابط خود با اسرائیل را عادی‌سازی و در برابر دریافت کمک‌های توسعه و کمک‌های نظامی را از آمریکا آغاز کرده بودند. تحولات بعدی نیز اثبات کرد که منطقه غرب آسیا در شرف شکاف‌های بیشتر است و رقابت‌های درون منطقه‌ای در حال تعریف امنیث منطقه‌ای است. نهضت فلسطین که بوسیله جنبش عدم‌تعهد مورد پشتیبانی بود، تحت‌الشعاع رقابت‌های ایران و عربستان، ایران و عراق، عراق و کویت و سایر رقابت‌های درون-عربی قرار گرفت. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ آسیب‌پذیری‌های قدیمی منطقه را از جمله فرقه‌گرایی، درگیری‌های قومی و نزاع بر سر رانت انرژی را آشکار نمود. متعاقب با قیام‌هایی که در سال ۲۰۱۰ منطقه را شوکه کرد رژیم‌های منطقه را به نوعی مجبور کرد که در رفتار با شهروندان عادی‌شان تجدیدنظر کنند. گرچه که بحران هنوز به پایان نرسیده است و جنگ‌های داخلی در لیبی، سوریه و یمن هنوز در جریان است. در این شرایط گزینه‌های در دسترس هند زیاد نبودند جزء اینکه هند خود معترف است که نه استطاعت جانب‌داری را دارد و نه منابع لازم را جهت تطبیق با بازیگران غربی یا غیرغربی همچون چین و روسیه را داشت. سیاستگذاران هندی خود را به اظهارات رسمی محدود ساختند که نیازی به اقدامات فوری نداشت، به جزء در زمانی که امنیت اتباع هندی ساکن منطقه به خطر می‌افتاد. به قدرت رسیدن حزب بهاراتیا جاناتا در ماه

می سال ۲۰۱۴ در واقع تحولی بود که به دقت مورد رصد دقیق همسایگان غرب آسیایی هند قرار گرفت. رهبران منطقه از تمایلات سیاسی و ایدئولوژیک حزب بهاراتیا جاناتا مطلع بودند. اگرچه تعاملات آینده ناشی از سیاست خارجی تحت رهبری حزب بهاراتیا جاناتا در ارتباط با منطقه غرب آسیا ثابت کرد که آنها به نوعی هم‌افزایی منافع جهت همکاری با یکدیگر دست یافته‌اند.

۱- گفتمان‌های سیاست غرب آسیایی هند

اینکه چگونه احزاب سیاسی، گروه‌ها و نیروهای ایدئولوژیک چگونه به جهان و مناطق مجاورت دور و نزدیک هند نگاه می‌کنند، توجهات آکادمیک نسبتاً کمی را به خود جلب کرده است. اگرچه، به نظر می‌رسد روند نوینی از زمانی که نارندرا مودی به قدرت رسیده است، ظهور کرده است. بطور فزاینده‌ای، الگوهای ایدئولوژی-محور و شخصیت‌محور شکست و موفقیت، رایج شده است. پیتر بیٹی ایدئولوژی را بصورت «نوعی تفکر نظام‌مند درباره سیاست و اقتصاد سیاسی» تعریف می‌کند؛ یک جهان‌بینی که با عناوین گوناگون گرایش‌های ایده‌پردازانه، تفسیرگرایانه و یا سازه‌انگارانه در روابط بین‌الملل، تحت بررسی قرار می‌دهد. همانطور که پیتر می‌گوید، سوای از مارکسیسم، ایدئولوژی و مختصات آن در روابط بین‌الملل و نظریه‌های سیاست خارجی چندان موردتوجه واقع نشده است. با کمک مطالعات بلند و کاکس (۲۰۱۱)، بلیت (۲۰۰۳)، تانگ (۲۰۱۳)، مینارد و میلدنبرگر (۲۰۱۸)، پیتر بحث مفصلی را درباره رویکردهای مختلف مادیت، هنجاری و تکاملی ارائه می‌کند. رویکردهایی که با نقش ایدئولوژی در شکل دادن به سیاست خارجی سروکار دارند (Peter, 2019). سیر تحول گفتمان عمومی و فکری در سیاست خارجی هند علی‌الخصوص امور غرب آسیا می‌تواند در میان خطوط ایدئولوژیکی متفاوت و گاه متناقض در حال تغییر باشد. از میان این گفتمان‌های آکادمیک و عمومی، چهار زمینه اصلی قابل ذکر است:

اول، رویکردهای تمدنی و تاریخی در رابطه با منطقه، همچون آثار محمود و عظمی (۲۰۱۴)، پاشا (۱۹۹۵-۲۰۰۳)؛ دوم، چشم‌اندازهای ملی‌گرا و ضدامپریالیستی غرب آسیا در آثار داسگوپتا (۱۹۹۲)، هپتولا (۱۹۹۱)، ساتیامورتی (۱۹۹۱)؛

سوم، امور تجارت و دیاسپورا (Hussain, 2016)؛ (Pant, 2013(a))، بلندپروازی‌های جهانی در حال ظهور هند (Pradhan, 2017)؛ (Pant, 2008)؛ (Abhyankar, 2008). دیگر منبع مهم چشم‌اندازهای غرب آسیا به گفتمان سیاسی باز می‌گردد که توسط سیاستگذاران و دیپلمات‌های کلیدی هند، همچون آثار احمد (2018) (b))، احمد (2018 (a))، انصاری (۲۰۰۸)، بادراکومار (۲۰۱۹)، فابین و دیگران (۲۰۱۸)، و قره‌خان (۲۰۰۸)

یا در حال حاضر بازنگری گفتمان‌های قبلی که توسط آیشوارا (۲۰۱۷). برخی از دیدگاه‌های تجدیدنظرطلبانه با روایت‌های ایدئولوژیکی گفتمان‌های سیاست خارجی هندویی مطابقت دارد. از آنجائیکه هند در حال پایان دادن به رویکرد عدم تمایل خود در منطقه است، علایق جدیدی به مباحث بازنگرانه در پیوند با دیدگاه‌های هند در خصوص غرب آسیا، در حوزه‌های دانشگاهی و عمومی بوجود آمده است. این مقاله بر نقش ایدئولوژی در مشروعیت‌بخشی سیاست خارجی در حوزه عمومی و نه در حوزه تصمیم‌گیری، تمرکز دارد. مقاله حاضر مدعی است که علیرغم تجدیدنظرطلبی نیرومند و ایدئولوژیک دیدگاه‌های هند درباره غرب آسیا، مودی با گزینش‌های عملگرایانه به پیش می‌رود. تمایل فزاینده‌ای نسبت به سیاست خارجی در حال تغییر هند (Anas, 2016: 19) و گفتمان سیاست غرب آسیای آن، در مقابل تغییر مسیر منطقه به سوی اسلام‌گرایی و افراط‌گرایی وجود دارد (Godbole, 2020; Pandya, 2018; Prabhu, 2017; Prabhu, 2019; Siyech, 2019).

این روایات، همکاری هند در طول مبارزات استقلال‌خواهی با پان‌اسلامیست‌ها و جنبش خلافت را در مورد اینکه آیا دلیلی بر رویکرد ناجای هند در قبال غرب آسیا بوده است را مورد بررسی مجدد قرار می‌دهند. بازنگری حزب کنگره ملی هند در گفتمان سیاست غرب آسیایی مباحث جدیدی را درباره چشم‌اندازهای سیاست غرب آسیای هند و نقش تبیین‌کننده ایدئولوژی حزب حاکم کنونی، بهاراتیا جاناتا، برانگیخته است. ادعای اصلی این بازنگری‌ها این است که مسلمانان هند نقش منفی در سیاست هند در غرب آسیا ایفا کرده‌اند. ثانیاً، تعاملات تاریخی هند، از جمله در جریان جنبش خلافت و سنن اسلامی، از نظر مذهبی تعیین شده است. نهایتاً ایدئولوژی‌هایی چون اسلام‌گرایی و افراط‌گرایی هستند که در رفتار کشورهای غرب آسیا تعیین‌کننده‌اند تا منافع ملی (Nandakumar, 2020).

در میان این ادعاها برای نمونه می‌توان به استدلال‌هایی اشاره کرد مبنی بر اینکه جمعیت ۱۷۲ میلیون نفری مسلمانان هند (طبق سرشماری سال ۲۰۱۱) از ایده‌های فراملی همچون پان‌اسلامیسم نسبت به ایده‌های ملی‌گرایانه بیشتر حمایت به عمل می‌آورند بطوریکه روابط هند و اسرائیل را برای مدت طولانی دچار انسداد کردند، و در مقابل نیز استدلال‌هایی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه نارندرا مودی بعنوان یک رهبر هندو، ملل مسلمان را نادیده می‌گیرد و نمی‌تواند روابط مستحکم با کشورهای مهم عربی و اسلامی را حفظ کند. برای مثال، کوماراسوامی، پرسش‌های شایسته‌ای را درباره سیاست عربی نهر و نارسیم راتو، مطرح می‌کند: «چگونه یک نخست‌وزیر ضعیف از نظر سیاسی همانند راتو این فشارها و محدودیت‌ها را می‌تواند نادیده بگیرد در حالیکه شخصیت قوی‌تری همچون نهر و قادر به این کار نبود؟ چه چیز علیه نهر و عمل کرد اما به راتو کمک کرد؟ چرا راتو موفق بود؟». چنین استدلال می‌آورد: «سیاست جانبداری از اعراب از پشتیبانی قوی داخلی مسلمانان هند برخوردار بود ... فضای بین‌المللی و محاسبات سیاست خارجی هند به سود یک سیاست

جانبداری از اسرائیل نبود. نهایتاً هم علیرغم شخصیت قوی نهرو، وی در بند جهان‌بینی ایدئولوژیک خود باقی ماند که او را از درک بلندپروازی‌های ملی‌گرایانه قوم یهود بازداشت» (Kumaraswamy, 2019: 19). دستاویز منشور اسلامی در بین تفاسیر راستگرا از سیاست خارجی، علیرغم اینکه همیشه صحت و سقم آن زیر سوال بوده، اعتبار یافته است. ویجای پراشاد، با طرح این نکته که جنبش صهیونیستی فاقد اعتبار ضداستعماری است و اینکه دلایل اصلی و اساسی سیاست هند در قبال اسرائیل ظهور جنبش عدم‌تعهد و پروژه جهان سوم، مفروضات اساسی کوماراسوامی را زیر سوال می‌برد (Prashad, 2010: 38-39). هارش وی. پانت در کتاب خود در سال ۲۰۰۸، تاکید کرد: «مواضع ضداسرائیلی هند نیز بخشی از استراتژی کلان دیپلماسی هند برای مقابله با نفوذ پاکستان در جهان عرب و تامین نفت خود از کشورهای عربی بود. و همچنین موجب تامین شغل هزاران هندی در خلیج فارس شد و به هند جهت حفظ ذخایر ارزی شناور خویش کمک کرد» (Pant, 2008: 132).

کوماراسوامی اظهار می‌دارد که حتی عادی‌سازی روابط در سال ۱۹۹۱ هم به همکاری‌های نزدیک کمکی نکرد. در عین حال، همکاری‌های تنگاتنگ اطلاعاتی و امنیتی در سال ۱۹۶۲ علیه چین و در سال ۱۹۶۲ در جنگ علیه پاکستان، دو کشور را بیش از پیش به هم نزدیک‌تر کرد. نجمه هبت‌اله، رهبر کنگره در کتاب خود در سال ۱۹۹۱، که جهت تشریح عادی‌سازی روابط با اسرائیل به عربستان سعودی اعزام شد، شخصیت بین‌الملل‌گرای جواهر لعل نهرو را که سیاست خارجی هند و سیاست غرب آسیای آن را معماری نمود را در پاسخ به تحولات عصر پسااستعماری بود، تا در جهت پاسخگویی به نفوذ مبالغه‌آمیز مسلمانان هندی (Heptulla, 1991: 6). نقش اسلام، دین و تمایلات پان‌اسلامی مسلمانان هندی و منطقه غرب آسیا نیز در مباحث عمومی اخیر درباره سیاست مودی در غرب آسیا مورد توجه قرار گرفته است. گرچه بیشتر این آثار به جای آنکه مبتنی بر زمینه تاریخی پان‌اسلامیسم باشند به مفهوم ادبی آن به شدت وابسته‌اند، بنحویکه این آثار در ائتلاف پیچیده‌ای از ملی‌گرایان هندی، پان‌آسیایی‌های ژاپنی و عثمانی‌گرایان جوان، که جزئیات تاریخی‌شان توسط جمیل آیدین مورد بحث قرار گرفته است (Aydin, 2016؛ Chicchelly & Aydin, 2007). بسیاری از گزارشات تاریخی مرتبط با مبارزات استقلال‌طلبانه هند و تصمیم‌گیران اصلی مبارزات ضداستعماری هند در جهت تطبیق با حوزه عمومی تبیین شده توسط هندوها بازتعریف شدند، که پارتا چاترجی آن را بعنوان «کشمکش هژمونیک برای دستیابی به همگرایی میان دولت-ملتی که از طریق انتقال قدرت، جانشین فرمانروایی بریتانیایی شد و مردم-ملتی است که واحد، همگن و فراتر از مناطق مختلف داخل هند است»، تعریف کرد (Chatterjee, 2020: 108).

احساسات عام و مرسوم ضد استعماری، تعیین کننده اصلی و اساسی جهان‌بینی و بطور خاص دیدگاه حزب کنگره ملی هند در خصوص سیاست غرب آسیا بود. کنگره ملی هند در جهت پشتیبانی از مبارزات ملی‌گرایانه مختلفی در غرب آسیا، لائوس، کامبوج، ویتنام و آفریقا، هیأت‌هایی را اعزام نمود. حزب بطور منظم از جانب مردم هند مراتب اعتراض و مخالفت خود را به سیاست‌های متخذه وزارت خارجه بریتانیا صادر می‌کرد و نیز قطعنامه‌هایی در رد و اعتراض نسبت به تصمیمات بریتانیا را تصویب می‌نمود. انقلابیون هندی که اغلب آنها زیر چتر حمایتی حزب کنگره ملی هند فعالیت می‌کردند با انقلابیون کشورهای دیگری که علیه امپراطوری بریتانیا، در آلمان، امپراطوری عثمانی، روسیه، ژاپن، چین و ایالات متحده مبارزه می‌کردند، در ارتباط بودند. برای نمونه، برکت‌اله بوپالی (۱۸۵۴-۱۹۲۷)، راجا ماهندرا پراتاپ سینگ (۱۸۸۶-۱۹۷۹)، م. انصاری (۱۸۸۰-۱۹۳۶)، محمدعلی جوهر (۱۸۷۸-۱۹۳۱)، مولانا ابوالکلام آزاد (۱۸۸۸-۱۹۵۰) (۱۸۸۴-۱۹۳۹)، ویرندرانات چاتوپادیا (۱۸۸۰-۱۹۳۷)، محمود حسن (۱۸۵۱-۱۹۲۰)، عبیداله سندی (۱۸۷۲-۱۹۴۴)، PN Dutt با نام مستعار داوود علی‌خان (۱۸۸۷-۱۹۵۴)، پاندورانات خانکوجه، صوفی آباد پراساد (۱۸۵۸-۱۹۱۷)، چامپکارامان پیلا (۱۸۹۱-۱۹۳۴)، اس. آر. رانا (۱۸۵۷-۱۹۵۷)، ویرندرانات چاتوپادیا (۱۸۶۹-۱۹۴۲) و بسیاری از افراد دیگری که از پایتخت‌های غرب آسیا به منظور ملاقات با انقلابیون عرب، مسلمان و آسیاگرا، مکرراً بازدید می‌کردند (Manjapra, 2014; Trivedi, 1982). راجا ماهندرا پراتاپ سینگ پس از بازدید از ترکیه و آلمان، در ۱ دسامبر ۱۹۱۵ دولت در تبعید هند را در کابل اعلام کرد. تکامل روابط بین‌الملل هند در عصر پسااستقلال، بویژه در ارتباط با غرب آسیا، شاهد دورانی بود که جهان تحت سیطره قدرت‌های استعماری و امپریالیستی قرار گرفته بود و به دو قطب متخاصم اردوگاه غرب و شوروی تقسیم شده بود. چنانکه این حزب ملقمه‌ای از ایدئولوژی‌های رقابتی گوناگونی بوده است، رهبری حزب کنگره ملی هند و نهری اولین نخست‌وزیر نیز از سیاست عدم‌تعهد پشتیبانی کردند. بر همین اساس، نهری در عین اینکه اسرائیل را به رسمیت شناخت اما از برقراری کامل الزامات و روابط دیپلماتیک خودداری ورزید و تصمیم بر آن شد تا پایان یافتن درگیری‌های مداوم میان اعراب و اسرائیل منتظر بماند. بطور همزمان نیز به کشورهای غرب آسیا از ملحق شدن به هریک از اردوگاه‌های متخاصم هشدار داد. در زمینه پیمان بغداد نیز نهری مفصلاً در ۲۵ فوریه ۱۹۵۵، در پارلمان سخنرانی کرد و گفت: «من می‌توانم ائتلاف و اتحاد نظامی میان قدرت‌های بزرگ را اگرچه که مخالف آن هستم، درک کنم. من پیمان‌های نظامی و اتحاد مابین یک غول عظیم‌الجثه قدرتمند و یک کشور خرد و کوچک را نمی‌توانم درک کنم. از نظر نظامی هیچ مفهومی برای من ندارد. مطلقاً هیچ معنایی ندارد (MEA, 1995: 31). در ۲۵ مارس ۱۹۵۷، نهری در پارلمان گفت: «پیمان بغداد تاثیر مستقیمی بر هند داشت و ما طبیعتاً به آنها به دیده بدگمانی و بی‌زاری نگاه می‌کردیم» (MEA, 1995: 56). حاصل

پیوستن آنها به اردوگاه‌های متخاصم، این بود که نهرودر بیانیه خود در ۳۱ مارس ۱۹۵۵ در پارلمان، مواضع هند در قالب اصول پنچشیل را توضیح داد: «الف) به رسمیت شناختن تمامیت سرزمینی و حاکمیت هر کشور؛ ب) عدم تجاوز؛ پ) عدم مداخله در امور داخلی کشورها؛ ت) احترام متقابل؛ و ج) برابری» (MEA, 1995: 52). آرمان هند برای ایجاد یک جهان ایده‌ال، با دیپلماسی فعالانه جنبش عدم تعهد، و همانگونه که مشهور است، توسط کریشنا منون، دیپلمات هندی، نه بعنوان یک سیاست بیطرفی بلکه بعنوان غیرمتعهد تعریف شده است (Fisher, 2012). تمرکز اصلی سیاست خارجی جنبش عدم تعهد چنین بود: «حمایت و پشتیبانی از مبارزات حق تعیین سرنوشت، استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها و دولت‌ها؛ عدم الحاق و تعهد به پیمان‌های نظامی چندجانبه و استقلال کشورهای غیرمتعهد از قدرت‌های بزرگ و انسداد نفوذها و رقابت‌ها؛ مبارزه با امپریالیسم در تمامی اشکال و مظاهر آن؛ مبارزه با استعمارگرایی، استعمارگرایی نوین، نژادپرستی، اشغال بیگانه و سلطه؛ خلع سلاح؛ عدم مداخله در امور داخلی کشورها و همزیستی مسالمت‌آمیز میان تمامی ملت‌ها» (MEA, 2012).

مفروضات اساسی و اصلی سیاست خارجی هند که ملهم از جنبش عدم تعهد است، در زمانی که نیروی پیشتاز و برجسته ناسیونالیسم عرب و جنبش عدم تعهد یعنی مصر، به برقراری روابط دیپلماتیک با اسرائیل در ۱۹۷۹ اقدام می‌کرد، ایران بعنوان متحد آمریکا یک انقلاب ضدآمریکایی اسلامی را پشت سر می‌گذاشت، جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۱ آغاز شده بود و اتحاد جماهیر شوروی نیز سرانجام پس از تهاجم و خروج خود از افغانستان در اواخر دهه متلاشی شد، بطورجدی از داخل و خارج مورد بحث و پرسش قرار گرفته شده بود. پیش از آنکه هند برای اصلاحات اقتصادی و بازگشایی سفارت اسرائیل در سال ۱۹۹۲ حرکت کند، سیاست داخلی هند بیشتر به سود ملی‌گرایان هندو که تحت الهامات مذهبی بود چرخش یافته بود که حتی این محبوبیت را حزب کنگره ملی هند در سیاست‌های اصلاح شده و لیبرالیزه خود نتوانست نادیده بگیرد و از آن دوری کند.

۲- جهان‌بینی حزب بهاراتیا جاناتا

ظهور حزب بهاراتیا جاناتا عدم تناسب فزاینده سیاست خارجی طراحی شده برای دوره مبارزات ضداستعماری و ضدامپریالیستی را نمایان می‌سازد. در شرایطی که حزب کنگره ملی تحت تاثیر ایده‌های ملهم از انقلاب و روشنگری اروپا در مورد آزادی، برابری، سکولاریسم و دموکراسی قرار داشت، دینمداری سیاسی شده هندویی، چشم‌اندازی بومی برای آینده دولت-ملت هند ترسیم می‌کرد. ایدئولوگ حزب بهاراتیا جاناتا و عضو پارلمان

سواپان داسگوپتا، ساخت جهان‌بینی هندو را بر مبنای هندی شدن، به جای تقلید از ایده‌ها و تمایلات اروپایی، خلاصه کرد. مقصود او از هندی شدن دیدگاهی بود که توسط راستگرایان هندو مذهب در خصوص آموزش و پرورش، اقتصاد و سیاست هدایت می‌شد. برای نمونه سر رشبهاری^۱، در صدد بود که اخلاق و متافیزیک هندو در برنامه تحصیلی و آموزشی نوین هند در جایگاه نخست قرار بگیرد. قدرت سیاسی و نظریه‌های کشورداری نیز از سلحشور بزرگ، ماراتا جیواشی، الگوبرداری می‌شد بگونه‌ای که فردریک کبیر یا اسکندر برای آلمان و مقدونیه در نظر گرفته می‌شد. داسگوپتا تشریح می‌کند که تصویرسازی مجدد هند از موقعیت فرهنگی و ژئوپلیتیکی خود بر پایه این استدلال استوار است که کشور هندوستان سرزمین بومی و موطن آئین برهمنی بود که آریاوارتا نامیده می‌شد؛ یعنی سرزمین آریایی‌ها. از این‌رو جهان‌بینی نوین، به گفته داسگوپتا از پنج عنصر تشکیل می‌شد؛ یک: هندوستان سرزمین ابدی و مطلق^۲ دارما^۳ بود (در هندوئیسم، دارما قانون دینی و اخلاقی حاکم بر رفتار فردی است و یکی از چهار هدف زندگی است). دو: این مذهب جاودانه سنت‌های مقدس و سکولار و علمی، فکری و فرهنگی ویژه خود را داشت. سه: این مذهب جاودانه یک نظام پیچیده اجتماعی که به سیستم‌های چهارگانه کاست‌های هندو تقسیم شده بود را ایجاد کرد. چهار: هند، تاریخ هندویی خود را دارد و نه تاریخی که امروزه مهاجمان بیگانه به ما آموزش می‌دهند. پنج: جامعه هندو نه از نظر جغرافیایی و نه از نظر فرهنگی هرگز افغانستان، هندوستان، پاکستان و بنگلادش را بعنوان یک کلیت تجزیه‌ناپذیر در نظر نگرفته است (Dasgupta, 2019: 61-63).

ملی‌گرایی هندو بر پایه یک تاریخ‌نگاری است که هند را کشوری با گذشته، خاطرات و آینده همگن به تصویر می‌کشد. ریشه‌های فکری که الهام‌بخش راشتریا سوامیامسواک سانگ^۴ و حزب بهاراتیا جاناتا می‌باشند غالباً از یک صنف و طبقه و حتی از یک زبان مشابه هستند، مانند بنگالی‌ها و روشنفکران ماراتی زبان همچون بودب موخوپادهیای^۵ (۱۸۲۷-۱۸۹۴)، بانکیم چاندر^۶ (۱۸۳۸-۱۸۹۴)، بیپین چاندر^۷ پال (۱۸۵۸-۱۹۳۲)، سوامی ویوکاناندا^۸ (۱۸۶۳-۱۹۰۲)، شری اوروبیندو^۹ (۱۸۷۲-۱۹۵۰)، و بعدها در استان‌های شمالی و مرکزی هند،

^۱ Sir Rashbehari Ghosh

^۲ Sanatana

^۳ Dharma

^۴ Rashtriya Swayamsevak Sangh

^۵ Bhudeb Mukhopadhyay

^۶ Bankim Chandra Chatterjee

^۷ Bipin Chandra Pal

^۸ Swami Vivekananda

^۹ Shri Aurobindo

مانند بال گنگادار تیلاک^۱ (۱۸۵۶-۱۹۲۰)، سوامی شراداناند^۲ (۱۸۵۶-۱۹۲۶)، لالا لاجپات رای^۳ (۱۸۵۶-۱۹۲۸)، مادان موهان مالویا^۴ (۱۸۶۱-۱۹۴۶)، چاکراواری راجاگوپالاجاری^۵ (۱۸۷۸-۱۹۷۲)، وینایاک دامودار ساوارکار^۶ (۱۸۸۳-۱۹۶۳)، کی.ام.مونشی^۷ کسی که ایده بهارات تقسیم‌ناپذیر و غیرقابل تقسیم^۸ و بسیاری موارد بیشتر را مطرح کرد. این روشنفکران و متفکران الهام‌بخش جنبش‌های متعددی بودند؛ ماموریت کیشنا، آریا ساماج، جنبش سودی، هندو ماهاسابها، جنبش سوادشی، جنبش سواراج، گاناتانتا پاریشاد، «کشتاریا اوپاکارینی ماهاسبها» و نیز RSS و بهاراتیا جانا سانگ^۹. همانگونه که لیبرال‌های اروپایی الهام‌بخش بسیاری از رهبران کنگره ملی هند بودند، بسیاری از فعالان سیاسی راست‌گرای هندو مذهب نیز از راست اروپایی همانند هیتلر و موسولینی الهام گرفتند. ایدئولوگ جنبش RSS، بی.اس.مونجی^{۱۰} (۱۸۷۲-۱۹۴۸)، در سال ۱۹۳۱ در جریان بازدید از اروپا، به ملاقات خویش با موسولینی در ایتالیا اشاره کرد. ساوارکار در یادداشتی با این ادعا که «یک ملت با اکثریتی که در آن زندگی می‌کند، تشکیل می‌شود؛ سیاستهای ضدیهودی هیتلر را مورد پشتیبانی قرار داد. یهودیان در آلمان چه کردند؟ آنها در اقلیت بودند و آلمان را ترک کردند» (Casolari, 2000: 218-228). شگفت‌آور آن است که مسلمانان و هندوهای کمونیست هم در دام عوامل آلمانی افتاده بودند که پروپاگاندای نازی‌ها را در هند پیاده کنند (D'Souza, 2000: 794).

۱۵

یکی از ستایش‌کنندگان ساوارکار، به نام ام.آر.تولسی باگویل^{۱۱}، در سخنرانی عمومی خود در سال در پونا ۱۴ می ۱۹۳۹ حتی، وی را با هیتلر و اس.ال.کاراندیکار^{۱۲} را با گوبلز و نیز جوانان هندو را هم با ارتش نازی‌ها مقایسه کرد (D'Souza, 2000: 794).

داسگوپتا دریافت که خوداظهاری فرهنگی در یافته‌های اجداد مشترک آریایی آنها، تداعی‌کننده این باور بود که هسته اصلی همه دانش‌های علمی می‌تواند در متون سانسکریت یافت شود (Dasgupta, 2019: 59). با اینحال در یک تغییر دراماتیک تاکتیکی، عمده‌احیاگران هندو، در جهت اتحاد براساس حس و تصویر مشترک

¹ Bal Gangadhar Tilak

² Swami Shraddhanand

³ Lala Lajpat Rai

⁴ Madan Mohan Malviya

⁵ Chakravarti Rajagopalachari

⁶ Vinayak Damodar Savarkar

⁷ K. M. Munshi

⁸ *Akhand (indivisible and undivided) Bharat*

⁹ BJS

¹⁰ B. S. Moonje

¹¹ M. R. Tulsibagwale

¹² S. L. Karandikar

از درد و خسران و زیان ناشی از تهاجم اسلامی به سرزمین‌هایشان، با نزدیک شدن به گروه‌های صهیونیستی، عملگرایی بسیار زیادی از خود به نمایش گذاشتند. ادبیات گروه‌های هندو در دوره قبل از استقلال، با مبالغه در تهدید مسلمانان، خطر استعمار بریتانیا را کمتر از تهدید مسلمان می‌دانستند و در نتیجه از حکومت استعماری بریتانیا می‌توان در جهت ریشه‌کن ساختن حاکمان مسلمان، موقتا حمایت کرد. رمان معروف Anandmath، نوشته بانکیم چاندر چاترجی (۱۸۳۸-۱۸۹۴) به این نتیجه رسید که از نظر تاکتیکی می‌توان از حکومت بریتانیا برای خلاص شدن از شر حاکمیت مسلمانان حمایت کرد، «شورش سانتال فقط برای نشان دادن بریتانیایی‌ها بر تخت پادشاهی برآمده است» (Chatterjee, 2016: 161-162). اگرچه که توصیف تاریخ هندوستان صرفا در چارچوب مبارزه میان هندوها و مسلمانان، همانطور که غالبا در گفتمان یورش مسلمانان، برای برساختن یک ضربه روحی و روانی بر هندوها ساده‌سازی شده است، یک فضای تاریخ‌نگاری مورد مناقشه و مباحثات فراوان است.

وقایع سال ۱۸۵۷ نیز ضربات قابل توجهی را بر مسلمانان هندی وارد ساخته بود زیرا که بریتانیا کنترل رسمی امپراطوری مسلمانان را در دست گرفته و به سلطه چند صد ساله آنها بر هند پایان داد. روحانیون مسلمان فتوای ضدانگلیسی صادر می‌کردند و مردم را به جهاد علیه انگلیسی‌ها تحریک می‌کردند. حزب کنگره در میانه این تحولات تأسیس شد و مجبور بود طرفین را جهت ایجاد یک انگیزه و هدف مشترک همساز گرداند. نویسندگانی که همکاری حزب کنگره با مسلمانان هندی و کشورهای اسلامی عرب را از طریق منشور اسلامی مانند جنبش خلافت را می‌بینند، به راحتی، از همکاری‌های حزب با پان آسیاگرایان چین و ژاپن و یا با کمیته هندی برلین آلمان که با پان انقلابیون هندی و ترکی همکاری داشتند و نیز حمایت و همکاری با تلاش‌های جامعه بزرگ هند برای ایجاد هویت مشترک پان آسیایی مبتنی بر فرهنگ مشترک هندی در سراسر آسیای شرقی، طفره رفته و چشم‌پوشی می‌کنند (Bayly, 2004: 703-744).

در حالیکه حزب کنگره ملی هند، در همکاری و هماهنگی با طیف متنوعی از مردمان تحت استعمار، یک جنبش ضدامپریالیستی، ضداستعماری و انترناسیونالیستی را به پیش می‌برد، تنها هدفی را که احیاگران هندو در پی آن بودند، ایجاد یک هویت همگن هندویی و احیای تمدن ودایی یا آریایی بودند. سوامی دایاناند ساراسواتی، ویوکا ناند و سری آئوروبیند و ملی‌گرایی هندی را تنها براساس منشور تمدن ودایی تصور می‌کردند که با منشور اسلامی مخالف بود. با سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، قطعنامه‌ها و نشریات مهم حزب کنگره ملی هند و گروه‌های هندوی رقیب آن مانند هندو ماهاسابها (تأسیس شده در ۱۹۱۵)، جنبش RSS (تأسیس شده در ۱۹۲۵)، و BJS (تأسیس در ۱۹۵۱)، می‌توان این نظرات و دیدگاه‌ها را ردیابی نمود. حزب حاکم کنونی، BJP (تأسیس در سال ۱۹۸۰)، خود را از نظر فکری، سیاسی و سازمانی با این گروه‌ها مرتبط می‌سازد.

برای مثال، ماهاسابها هندوی ویر ساوارکار، بر این عقیده بود که بجای همکاری با کشورهای عربی و مسلمان تحت اشغال بریتانیا، هند باید ساختن یک قدرت قاره‌ای «هندو-بودایی» را ترجیح دهد (Stolte & Fischer, 2012: 85). در تصورات ساوارکار، قلمروی سرزمین ملت هندو بایستی مطابق با توصیفات کتاب مقدس ریگ ودا، که شامل پاکستان، بنگلادش و قسمت‌هایی از ایران، افغانستان و برمه و آسیای میانی است، ترسیم گردد (Stolte & Fischer-Tiné, 2012: 46).

در واقع جنبش ماهاسابها از امضای پیمان سعدآباد میان ایران، ترکیه و افغانستان در سال ۱۹۳۹ در هراس بود و یک اتحاد هندو-بودایی می‌توانست که کشورهای مسلمان را از اعمال هرگونه تهدیدی علیه هند مستقل آینده باز دارد (Shridharani, 1941: 16). پس از کسب استقلال، احزاب متعلق به ایدئولوژی‌های راست-گرایانه همانند حزب سواتانتر، BJS و ماهاسابها هندو، قویا از ایجاد روابط با اسرائیل پشتیبانی می‌کردند (Erdman, 1966: 18). طبق گزارش آژانس یهود تلگرافی در ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۹، ماهاسابها هندو به رئیس جمهور اسرائیل خبر داد که این گروه از حکومت هند درخواست می‌کند که اسرائیل را به رسمیت بشناسد و با مردم آن نیز روابط صمیمانه‌ای را برقرار سازد (Jewish Telegraphic Agency, 1949).

BJS در قطعنامه‌های خود خواستار روابط مستحکم با اسرائیل شده بود. در یکی از این قطعنامه‌ها کمیته کاری مرکزی BJS از رویکرد دولت هند در قبال درگیری اعراب و اسرائیل انتقاد کرد؛ «کمیته کاری مرکزی با سیاست‌های متخذه جانبدارانه بوسیله حکومت هند در خصوص درگیری‌های اخیر اعراب و اسرائیل مخالف است. هند نخست می‌بایست در جهت بررسی هرگونه انفجار خصومت‌های میان اعراب و اسرائیل اعمال نفوذ می‌کرد و پس از اتمام جنگ، صلح را اعاده کند. به جای این قدام، حکومت هند دقیقا از همان آغاز پشتیبانی کورکورانه خود را از اعراب توسعه داده است. نتیجتا اینکه سیاست آنها نه صلح را تأمین کرده است و نه در راستای خدمت به منافع گسترده‌تر هند عمل کرده است» (Bharatiya Jan Sangh, 1973: 137).

BJS همچنین به نقش اتحاد جماهیر شوروی در غرب آسیا بویژه از طریق دامن زدن به تعصبات عربی، بسیار بدبین بود. متفکران و ایدئولوگ‌های حزب اغلب با مقایسه هندوها و یهودیان به شباهت‌هایی از آنها دست می‌یافتند. بالراج ماهدوک، متفکر برجسته جانا سانگ بدنبال آن بود که سیاست «مقابله به مثل سخت و شدید» در روابط میان هند و اسرائیل اجرایی شود (Bhatkal, 1967: 203). جالب اینکه آجای ساحی، در یکی از مقالاتی که در هفته‌نامه رسمی RSS، پایچجانی، منتشر شد، گروه فلسطینی مرحوم یاسر عرفات را گروهی تروریستی خواند و گفت: «تروریسم فلسطینی در سال ۱۹۶۰ آغاز شد و در سراسر منطقه گسترش یافت. آنها با آن چه کردند؟ آنها یاسر عرفات را به صحن سازمان ملل آوردند و از او یک رهبر جهانی ساختند.

دیگر تروریست‌ها نیز از این ایده الهام گرفتند که آنها نیز می‌توانند رهبرانی مانند عرفات شوند. از این پس، که تروریسم فلسطینی تا حدود زیادی سکولار بود، به اسلام نزدیک‌تر شد. اینگونه شد که تروریسم اسلامی پدیدار شد. جهان افغان نیز پیام فرستاد که این پیروزی اسلام است. تروریسم اسلامی آماده نابودی کلیت جهان شد (Translated by the author from Hindi; Sahni, 2001). این بدین معنا نبود که همه گروه‌های دست راستی ضد فلسطین بودند. اما به هر روی همدردی چندان قابل توجهی با مساله فلسطین نداشتند. کمیته کاری مرکزی در ۳۰ ژوئن ۱۹۶۷، قطعنامه‌ای در مورد جنگ اعراب و اسرائیل تصویب نمود و از حکومت هند درخواست کرد که سیاست خویش را در زمینه ایجاد دوستی با هر دوی اعراب و اسرائیل و نیز ایجاد صلح پایدار در منطقه مورد بازنگری قرار دهد. در این زمینه BJS پشتیبانی اصولی خود از دولت فلسطینی را حفظ کرد و در عین حال از دولت هند به رسمیت شناختن واقعیت اسرائیل را خواستار شد. با این حال، روایت جالب‌تری که بر مباحث جناح راست چیره شد و در واقع اتهامی بود به دولت حزب کنگره ملی هند بعنوان «حمایت‌های بسیار مشتاقانه از اعراب» با هدف ملاحظات مبنی بر رأی عمومی؛ منظور آنها از رأی عمومی، در حقیقت اشاره به سیاست مماشات و دلجویی این حزب از جمعیت قابل توجه مسلمانان هند بود. از میان دلایلی که موجب شکل‌گیری موضع هند در قبال فلسطین شده است و همیشه مورد استناد BJS قرار داشته است، ناامیدی از بیطرفی دولت‌های عربی در میان هند و پاکستان بوده است. زیاد مشخص نشد که آیا دولت هند رسماً ناامیدی خود را از رویکرد رفتاری ویژه دولت‌های عربی به آنها منتقل کرده است یا خیر، اما در حقیقت هند از این واقعیت آگاهی داشت که بسیاری از کشورهای عربی متحدان نزدیک ایالات متحده آمریکا هستند و پاکستان نیز مدت‌های طولانی متعلق به آن اتحاد بوده است. با پایان یافتن جنگ سرد و تنزل روابط ویژه آمریکا و پاکستان، به تبع آن نیز روابط دولت‌های عرب و پاکستان نیز به سطح نازل‌تری تقلیل یافت. BJS همیشه بر این باور بود که هند می‌بایست موضع بیطرفی میان اسرائیل و جمهوری متحده عربی (مصر-سوریه در زمان تصویب قطعنامه) را برقرار و حفظ کند. براساس گزارش آژانس تلگراف یهودی در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۹، رهبر BJS و وزیر امور خارجه حکومت حزب بهاراتیا جاناتا، سفر مخفیانه موشه دایان هم‌تای اسرائیلی خود به هند را تسهیل نمود (Jewish Telegraphic Agency, 1979).

رهبر M. D. Deoras, RSS، نقش بسیار حیاتی را در متقاعد ساختن حزب کنگره ملی و احزاب چپ‌گرا برای متوازن ساختن روابط با اعراب، از طریق برقراری روابط دیپلماتیک کامل با اسرائیل، ایفا کرد (Mahajan, 2017). هند در سال ۱۹۹۲ نمایندگانی را به جهان اسلام اعزام کرد تا تصمیم دولت هند را جهت برقراری روابط دیپلماتیک با اسرائیل در سال ۱۹۹۲ تشریح کنند. یکی از رهبران مسلمان حزب کنگره ملی هند، نجمه هبت‌اله، در ۲۸ می ۱۹۹۲ جهت مطلع ساختن رهبران سعودی در خصوص روابط غرب

آسیایی هند اعزام شد. علیرغم انتقادات احزاب BJS و بهاراتیا جانانا از سیاست خارجی حزب کنگره ملی هند، دیدگاه «عدم تعهد دگرگون شده» بایستی بعنوان تأیید و تصدیق حزب بهاراتیا جانانا از تداوم سیاست خارجی هند تلقی گردد. با تأسی از ریشه‌های ایدئولوژیک مشابه، وعده‌های انتخاباتی حزب بهاراتیا جانانا و چشم‌اندازهای روابط خارجی آن، افکار مشابهی را بازتاب داده است. در بیانات و اعلامیه‌های انتخاباتی حزب بهاراتیا جانانا در سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۴ انتقاد شده بود و خواستار بازتعریف جنبش عدم تعهد بود. بهاراتیا جانانا در اعلامیه انتخاباتی خود در سال ۱۹۸۹، اهمیت عدم تعهد دگرگون شده و سیاست خارجی اقتصادی را به رسمیت شناخت. در بیانیه انتخاباتی ۱۹۸۹ این چنین گفته شد که چالش‌هایی را که در زمینه روابط خارجی با آنها مواجه هستیم، ناشی از مفهومی بعنوان تأکید مجدد بر اهمیت عدم تعهد دگرگون شده، در جهانی که به سرعت در حال تغییر است. حزب بهاراتیا جانانا از زمان به قدرت رسیدن در سال ۱۹۹۹ به این سو تداوم روابط خارجی هند را شدیداً به چالش کشیده است. با به قدرت رسیدن مودی در سال ۲۰۱۴ با رأی اکثریت مطلق، سیاست هند در غرب آسیا در زمینه جدیدی به پیش رفت بطوریکه ایدئولوژی و عملگرایی به یک همگرایی و همسویی ضمنی همچون در موضوع روابط هند و اسرائیل دست یافتند. و در صورت وجود تباین و اختلاف همچون در مورد روابط میان هند و عربستان سعودی، مودی گزینه عملگرایی را اتخاذ کرده است. جهت یافتن توازن میان این دو رویکرد، رویکرد سیاستگذاری در قبال منطقه را تغییر داد. رویکرد منطقه‌ای، رویکرد خلیج (فارس) یا غرب آسیایی یا عربی، با رویکرد دوجانبه جایگزین شده است تا این امکان برای هند فراهم شود که از مناقشات و درگیری‌های منطقه‌ای کناره‌جویی نماید و همچنین بتواند گروه‌های منطقه‌ای که ممکن است که با اتخاذ یک موضع جمعی در برابر هند قرار گیرند را تحت فشار قرار دهند.

۱۹

۳- اولویت‌بندی مجدد مودی

حزب بهاراتیا جانانا سند چشم‌انداز خویش را در طول مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۴ ارائه کرد که دربردارنده چشم‌انداز سیاست خارجی خود برای شنیده شدن صدای هند جهت ایجاد یک نظم جهانی برابری طلب و صلح‌آمیز بود. سند چشم‌انداز مذکور، حکومت حزب کنگره ملی را به دلیل رهبری فاقد اخلاق بر سراسر دستگاه دولتی که فاقد صلاحیت برای حل مسائل و مشکلات بود را مورد انتقاد قرار می‌داد. این حزب می‌خواست هند شکوفا شده را در جایگاه واقعی آن میان تحسین ملت‌ها ببیند. حزب بهاراتیا جانانا در پی آن بود که اهداف، محتوا و فرآیند سیاست خارجی هند را بار دیگر بنحوی جهت‌دهی و مستقر کند که

تعاملات استراتژیک هند را در یک پارادایم نوین و عرصه گسترده‌تری قرار دهد (BJP, 2014). به هنگامی که نارندرا مودی قدرت را در دست گرفت، از پشتیبانی قدرتمندانه ایدئولوژیک گروه‌های راست‌گرا برخوردار بود و حزب‌اش بهاراتیا جاناتا، به آنها وعده داد که مجدداً برای هند اعتبار می‌آفریند. در اعلامیه انتخاباتی سال ۲۰۱۴، با ذکر این عبارت که زمان رنسانس هند فرا رسیده است، هند را کشوری با تمدن ۵۰۰۰ ساله معرفی می‌کند. ما (هند) صحنه را برای باز پس گرفتن میراث مشروع خویش بعنوان یک قدرت بزرگ را آماده ساخته‌ایم که در پیشرفت همه‌جانبه بشریت مشارکت می‌کند (BJP, 2014).

همانطور که BJS ناامیدی خود را از کشورهای عربی بدلیل رفتار مساعدشان در قبال پاکستان ابراز نموده بود، بهاراتا جاناتا سیاست کشمیری کشورهای عربی را بعنوان دلیل ارتقای روابط هند و اسرائیل مطرح کرد. در اولین ملاقات نخست وزیر هند از اسرائیل در ۷ جولای ۲۰۱۷، جایشینکار وزیر خارجه هند از نگرش عمومی اعراب نسب به مساله کشمیر ابراز ناامیدی کرد. وزیر امور خارجه هند در دیدار با سفرای عرب در دهلی نو اظهار داشت که: «هند با وجود پشتیبانی طولانی‌مدت از چندین کشور اسلامی، هیچ عمل متقابلی را در مورد موضوع کشمیر دریافت نکرده است». روابط دوجانبه هرچه بیشتر گسترش یابد و متنوع شود، مسائل حیاتی‌تری ارتباط تمدنی هند را با عملگرایی متقابل، عادی‌سازی می‌کنند بطوریکه اکنون اسرائیل نیز شامل این ارتباط تمدنی شده است. جایشینکار وزیر امور خارجه هند، اظهار داشت: «هند و اسرائیل، جوامعی که خود را مهد تمدن می‌دانند، اکنون پایه و اساس معاصر را برای روابط خودشان یافته‌اند» (The Indian Express, 2017).

در این زمینه سیاست هند در قبال فلسطین به پذیرش تمامی ایده‌های حل مناقشه از جمله معامله اخیر به رهبری آمریکا تمایل نشان داده است. اعلامیه سنتی درخصوص فلسطین که تاکنون در غالب اظهارات رسمی مورد استفاده قرار گرفته است در برگیرنده سه عنصر است: نخست، پشتیبانی از یک دولت حاکم، پایدار و مستقل و متحد فلسطینی، دوم، اورشلیم شرقی بعنوان پایتخت آن؛ و سوم، درون مرزهای امن و به رسمیت شناخته شده، همانطور که در نقشه راه چهارجانبه و قطعنامه‌های مرتبط با شورای امنیت سازمان ملل، بر آن صحنه گذارده شده است. براساس این اعلامیه، هند شهرک‌سازی‌های اسرائیل را غیرقانونی و حضور نظامی اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی را اشغال‌گرانه می‌داند. در طی چند سال گذشته، اظهارات رسمی هند تا حدی به سوی منعطف شدن حرکت کرده‌اند که گاهی از اشاره کردن به بیت‌المقدس شرقی (اورشلیم شرقی) نیز صرف‌نظر کرده‌اند. در طول یک کنفرانس مطبوعاتی در می ۲۰۱۷، با رئیس‌جمهور محمود عباس، نارندرا مودی، از اشاره به اورشلیم شرقی صرف‌نظر کرد. در دسامبر ۲۰۱۷، ایالات متحده با به رسمیت شناختن اورشلیم بعنوان پایتخت اسرائیل، تصمیم خود را مبنی بر انتقال سفارت خود به این شهر اعلام کرد. این

اقدامات جهان اسلام را برآشفته کرد و نشست اضطراری سازمان همکاری اسلامی در دسامبر ۲۰۱۷ در استانبول نیز برگزار شد. مجمع عمومی سازمان ملل نیز رأی منفی خود را نسبت به این اقدام اعلام کرد. هند واکنش خود را در جهت عملگرایی خود برنامه‌ریزی نمود. واکنش اولیه هند مختصرتر از محکوم کردن و یا مردود اعلام کردن طرح آمریکا بود و بیشتر فراخوانی برای گفتگوهای مستقیم جهت دستیابی به راه‌حل دو دولتی بود. با این حال، واکنش هند دیپلمات‌های عرب را راضی نکرد و بطور جمعی ناامیدی خود را به مقامات هندی منتقل کردند (Scroll, 2017). یک هفته بعد، هند با دادن رأی منفی به طرح آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل، به جهان اسلام و عرب پیوست. رأی منفی هند نسبت به اقدام آمریکا خشم ناسیونالیست‌های هندو حامی مودی را برانگیخت و رسانه‌های دست راستی از رأی هند به سود فلسطین انتقاد کردند. جیدپ پرابهو، ستون‌نویس نشریه سواراجیا، این رأی را نشانه ناکامی در درک و فهم نحوه عملکرد اتحاد‌های بین‌المللی خواند (Prabhu, 2019).

دیدگاه یک تن دیگر از مفسران درباره سیاست هند در خصوص فلسطین پس از بحران اروشلیم، نشانگر نوعی از بینش راست‌گرای هند نسبت به جهان اسلام و عرب است. یکی از پژوهشگران مجله سواراجیا، از رأی مودی در حمایت از فلسطین با این اظهارات پشتیبانی کرد: «اگر ما می‌بایستی با دولت‌های اسلامی خصومت داشته باشیم به این خاطر که آنها نیز با ما چنین هستند، بنابراین با سرمایه‌گذاری در کشورهای همانند ایران و افغانستان دقیقاً ما تلاش داریم چه چیزی بدست آوریم؟ واقعیت این است که اختلافات بین کشورهای اسلامی بسیار است. این نیز بسیار برای ما خوب خواهد شد که ما اطمینان حاصل کنیم که آنها در جهت لطمه وارد ساختن به منافع ما به یکدیگر ملحق نشوند. و با پشتیبانی از آنها در خصوص یک موضوع بسیار حساس مذهبی، حکومت مودی آنها را از هدف مشخصی برای تخلیه حس ناامیدی‌شان محروم ساخته است. ما نیازی نداریم که به بی‌نزاکتی مذهبی دولت‌های اسلامی با خشم کوتاه‌نظرانه خویش مقابله به مثل کنیم» (Soami, 2017).

به نظر می‌رسد دولت مودی آمادگی کامل جهت ساختن یک گفتمان درباره سیاست هند در غرب آسیا دارد بطوریکه هم حوزه انتخاباتی داخلی را راضی می‌کند و هم تداوم و پیوستگی سیاست خارجی را تأمین می‌کند. یک ماه پس از این در یک مصاحبه دیگر، جایشینکار وزیر امور خارجه هند، تشریح نمود که دولت هند تحت فشار قرار نگرفته است و تأکید نمود که هند موضعی را که توسط یک دولت ثالث دیکته شود را نخواهد پذیرفت (Deccan Herald, 2020).

این شفاف‌سازی برای اعراب و اسرائیل این پیام را در برداشت که موضع دولت هند در خصوص فلسطین دیگر براساس آرمان‌گرایی قدیمی هدایت نمی‌شود، بلکه در عوض بوسیله یک سیاست واقع‌گرایانه پیش می‌رود. سیاست واقع‌گرایانه‌ای مودی در خصوص منطقه غرب آسیا با آن سروکار دارد در حال حاضر در شرایط گذار است. شرایط کنونی موقعیت دیگری در دوره پسا جنگ سرد است که هند بایستی پویایی قدرت در غرب آسیا، شرایط جنگ داخلی و رقابت‌های فزاینده درون منطقه غرب آسیا در بحبوحه خارج شدن شرکای بزرگ امنیتی از غرب آسیا، یعنی بریتانیا و آمریکا، را بپذیرد. سیاست سنتی غرب آسیای هند که بوسیله آرمان‌ها و اهداف جنبش عدم‌تعهد تحمیل شده است، نه در گسترش مهار چین و نه به جذب منابع جدید موردنیاز برای رشد اقتصادی هند کمک می‌کند. سیاست دولت مودی در غرب آسیا نشان دهنده سه تغییر تاکتیکی عمده است.

اولاً، تلاش شایان توجهی برای پایان دادن به ناپایداری استراتژیک هند و آگاه ساختن جهان از اهداف و آرمان‌های هند وجود دارد. هند به دفعات حکومت‌های آسیای غربی را از میزان حساسیت خود نسبت به واکنش‌های آنها درباره جامو و کشمیر و دیگر موضوعات و مسائلی که به منافع آنها لطمه وارد می‌کند، آگاه نموده است (The Print, 2020).

تعریف نوین استراتژیک از میان‌واژگانی استخراج شده و بیانگر مسیر سیاست خارجی هند می‌باشد، که با توصیف وزیر امور خارجه، هند بعنوان تأمین‌کننده امنیت محض، تصمیم‌گیرنده یا یک شکل دهنده تا یک ممتنع، حامل الگویی متعارف برای جنوب، قدرت‌ثبات‌ساز تا یک قدرت اخلاقی، از طریق چندجانبه‌گرایی اصلاح شده که در آن هند خود-محور و مرکزیت‌لیست نباشد، تصور شده است (MEA, n.d.a).

این مباحث نشان دهنده یک انحراف گفتمانی از سیاست، رویه‌ها و سنن هند در غرب آسیا در دوره حزب کنگره ملی هند است که دولت و وزارت امور خارجه آشکارا آن را مورد نقد قرار داده‌اند. ثانیاً، همانند اسرائیل، بیش از این دیگر نه با یک بلوک عربی، بلکه با کشورهای جداگانه‌ای سروکار دارد، مودی نیز یک رویکرد دوجانبه را در مقابل رویکرد منطقه‌ای دوره حزب کنگره ملی هند، اتخاذ کرده است. اگرچه هند تعاملات مختصری با اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی داشته است، اما تشدید رقابت‌های درون عربی قابل توازن نمی‌باشد. مزایای دوجانبه هر یک از این روابط به دولت مودی کمک کرده است تا در جاییکه منافع مشترک درگیر است همچون مورد مجوز استفاده از حریم هوایی عربستان سعودی برای پروازهای شرکت هواپیمایی ایر ایندیا به مقصد اسرائیل، اطمینان حاصل کند. تعاملات منطقه‌ای، در سطح شورای همکاری خلیج فارس، همانند پیگیری موافقت‌نامه تجارت آزاد هند-شورای همکاری خلیج فارس، یا در سطح اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی، ثابت شد که چنین مزیتی را ندارد. ضمناً، روابط هند-عربستان سعودی و

هند-امارات، روابط هند-قطر و هند-مصر از طریق مجامع دوجانبه پیشرفت خوبی داشته است (Anas, 2019). ثالثاً، هند از طریق اولویت‌بندی در روابط براساس منافع خود، در چارچوب اقدامات موازنه‌بخش خود دست به گزینش‌هایی همچون اولویت‌بخشی به عربستان سعودی، امارات و اسرائیل زده است. این تغییر در حال تطبیق با غیر غربی بودن در منطقه خلیج فارس است و نیز برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس از هند انتظار دارند که نقش امنیتی مهم‌تری را در منطقه برعهده گیرد. اگر در نهایت هند نقش تأمین‌کننده امنیت در سراسر ایندو-پاسیفیک را برعهده بگیرد، کشورهای حوزه خلیج فارس و متحدان امنیتی غربی‌شان آن را بیش از ظهور ایران، روسیه و ترکیه در منطقه‌شان مورد استقبال قرار می‌دهند. گرچه به نظر می‌رسد که این نیت براساس سه مفروضه اصلی قرار دارد: اول، مرکزیت عربستان سعودی و امارات در امور کشورهای عربی فرصتی برای هند است. دوم، از آنجائیکه اقدامات موازنه‌بخش بیش از این امکان‌پذیر نیست، نیاز به جایگزینی ترجیحات و اولویت‌ها است. سوم، قیام‌های موسوم به بهار عربی شکست خوردند و دیگر همانند سال ۲۰۱۱ تکرار نشدند. عربستان سعودی علی‌رغم اینکه در مرکز بسیاری از منازعات منطقه‌ای قرار دارد، با یاری مصر، امارات و آمریکا، یک بلوک منطقه‌ای را با موفقیت تشکیل داده است که نه تنها از شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب قدرتمندتر است بلکه حتی در مقابل علایق و منافع کشورهای اسلامی غیرعرب در منطقه نیز مقاومت می‌کند. اخیراً ایران و ترکیه نفوذ خود را در سرتاسر جهان عرب گسترش داده‌اند. باتوجه به بی‌اعتمادی تاریخی میان عربستان سعودی و قدرت‌های غیرعربی مانند ایران ترکیه، عربستان سعودی نیز گام‌هایی را بطور یکجانبه جهت حفظ منطقه خود از نفوذ ایران و ترکیه برداشته است. در چنان سناریویی دیگر اقدامات موازنه‌بخش هند برای حفظ روابط خوب همزمان با ایران و عربستان سعودی دیگر امکان‌پذیر نیست مگر آنکه درگیری‌های موجود در یمن، سوریه و لیبی حل‌وفصل شوند. نقش عربستان و امارات در این درگیری‌ها نویدبخش تداوم نظم پیشا-بهار عربی را می‌دهند که آن را برای هند محتمل‌تر ساخته است. برای نمونه، بحران سعودی-قطر سیاست هند در خلیج فارس را نیز پیچیده‌تر ساخته که دوام و قابلیت پایداری رویکرد منطقه‌ای پیشین را در قبال خلیج فارس مورد چالش قرار داده است. نه شورای همکاری و نه اتحادیه عرب پایدار و متحد باقی نمی‌مانند و نتیجتاً، رقابت‌ها و اختلافات درون عربی، هند را ملزم به تجدیدنظر در رویکرد منطقه‌ای و اتخاذ یک رویکرد دوجانبه فعال، نموده است. فرضیه مورد اعتقاد عربستان سعودی و امارات، مبنی بر عدم تکرار قیام‌های بهار عربی و این احتمال که نظم منطقه‌ای به دوره پیشا-بهار عربی بازگردد، قابل بحث است. دولت‌ها و احزاب حاکم هندی هرگز تمایلی به پیگیری و ملاحظه نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی در غرب آسیا نداشتند. آنها نه تنها نسبت به قیام‌های بهار عربی مشکوک

و بدبین هستند بلکه حتی نسبت به برخی از شورش‌ها و خیزش‌ها به دلیل نقش مداخلات خارجی نیز خصومت دارند. باور عمومی ناظران بر این است که قیام‌های عربی هنوز به پایان خود نرسیده‌اند (Debeuf, 2017; Gabon, 2018).

دلایل تمایلات ضد رژیم ناشناخته باقی مانده‌اند و توده‌های مردم نیز بدون رهبریت هستند. در محتمل‌ترین سناریو به نظر می‌آید که هند برای موج احتمالی رویدادهای تحریک‌آمیز و اعتراضی بی‌ثبات کننده آینده آمادگی ندارد. هندی‌ها با صرف نظر از همسایگان کهن تمدنی در منطقه، غالباً بدلیل بی‌میلی‌شان نسبت به سرمایه‌گذاری در مهارت‌های زبانی، به سختی فضای خیابان‌های کشورهای عربی و حوزه عمومی را درک می‌کنند. در حالیکه اکثر کشورهای غربی، چین، ایران و ترکیه بطور فعالانه‌ای با حوزه عمومی، فضاهای فکری، هنری و عقاید غرب آسیا درگیر هستند اما دیپلماسی هند هنوز هم در این راستا تحرکی نداشته است. منافع فزاینده و ترافیک روابط دوجانبه هند فضای مباحثاتی خاص خود را متوجه جهان عرب ساخته است. نه تنها وضعیت حل نشده درگیری اعراب و اسرائیل، خیزش‌های عربی و رقابت‌های منطقه‌ای، بلکه تمایلات و احساسات ضد عربی همانند اظهارات اسلام‌هراسانه علیه برخی از اعضای زن خانواده سلطنتی امارات، روابط هند در غرب آسیا را به بوته آزمایش می‌گذارند (Ahmad, 2020).

۴- سیاست عملگرا یا ایدئولوژیک

در حال حاضر پنج عامل اصلی وجود دارد که نقش مهمی را در تعیین سیاست مودی در غرب آسیا ایفا می‌کنند. نخست، در طی چند سال گذشته از زمانی که چین طرح ابتکار جاده و کمربند را مطرح کرده است همسایگان زمینی و دریایی هند به شدت برای پیوستن به نظم اقتصادی تحت رهبری چین متمایل شدند. در میان کشورهای غرب آسیا دوستان اصلی هند همچون عربستان سعودی و اسرائیل و مصر به این پروژه پیوسته‌اند. غالب همسایگان هند در جنوب آسیا، بسیاری از اعضای اتحادیه اروپا، کشورهای عضو آ.سه.آن، سازمان همکاری شانگ‌های و بسیاری از کشورهای غرب آسیا نیز از جمله عربستان سعودی، کویت، امارات و عمان از آن استقبال کرده‌اند. تعداد معدودی از ناظران هندی متقاعد شده‌اند که دیر یا زود بایستی به پروژه چین بپیوندند (Ahmad, 2018c). با توجه به اینکه هند می‌داند که همه کشورها از گسترش جهانی چین خشنود نیستند، هند تنها قدرت آسیایی است که سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک در آن می‌تواند توازن خاصی را ایجاد کند. بنابراین گفته می‌شود که هند و آمریکا بر سر مساله مهار نفوذ روزافزون چین همسویی دارند. هند به شکل برجسته‌ای در استراتژی ایندو-پاسیفیک آمریکا ظاهر می‌شود و برای پیوستن به شبکه نقطه

آبی^۱ دعوت شده است. در صورت موفقیت، این شبکه با پشتیبانی گروه ۷ و استرالیا، بعنوان ابتکاری جهت ارتقای زیرساخت‌های توسعه پایدار چندجانبه در منطقه ایندو-پاسیفیک و سراسر جهان طرح‌ریزی شده است (Gilani, 2020). در این زمینه، گنجاندن منطقه خلیج فارس در استراتژی ایندو-پاسیفیک توسط هند، درک در حال دگرگونی آن کشور از منطقه خلیج فارس و ارزش استراتژیک این منطقه برای آینده هند را نشان می‌دهد. اقیانوس هند، دریای عرب، خلیج فارس، دریای سرخ و خلیج عدن از پرتودترین مسیرهای دریایی تجارت جهانی‌اند و به همین دلیل هدف شبکه‌های جهانی تروریستی و دزدان دریایی نیز هستند. همکاری هند با کشورهای حوزه خلیج فارس برای حفاظت از مسیرهای دریایی منجر به تشکیل انجمن منطقه‌ای اقیانوس هند در سال ۱۹۹۷ شد که ایران، عمان، امارات و یمن نیز به آن پیوستند. اقیانوس هند برای امنیت هند از اهمیت بالایی برخوردار است، بگونه‌ای که ۹۰ درصد تجارت خارجی هند از نظر حجم و ۷۰ درصد آن از نظر ارزش، از طریق دریا انجام می‌شود که ۴۲ درصد از تولید ناخالص داخلی هند را تشکیل می‌دهد (Jaishankar, 2016). مشابهتاً، واردات نفتی هند از منطقه نزدیک به ۸۰ درصد از کل تقاضای آن را تشکیل می‌دهد. منطقه خلیج فارس همچنان کلید امنیت دریایی هند است. هند در طول عملیات نجات خود در یمن، که در آن حدود ۴۰۰۰ نفر از جمله ۹۰۰ نفر تبعه خارجی از یمن تخلیه شدند، حداقل چهار کشتی نیروی دریایی هند- تریشول، تابار، دیپاک و دهلی به طول مدت یک ماه در خلیج فارس مستقر بوده است. امنیت دریایی هند بسیار وسیع‌تر و جامع‌تر از ترس‌ها و نگرانی‌های قدیمی است، از این‌روست که حکومت مودی، دکترین ایندو-پاسیفیک نوینی دارد که هدف از آن هدایت تناقضات موجود در سیاست پیشین هند در حوزه خلیج فارس و منطقه غرب آسیا است. دومین عامل تعیین‌کننده در سیاست جدید هند در غرب آسیا، تضمین همکاری‌های دوجانبه عمیق‌تر در مورد جنبش خشونت‌آمیز بازیگران غیردولتی و معاملات مالی آنها است. هند از حضور گروه‌های تروریستی مستقر در پاکستان و تأمین مالی آنها از سوی برخی از افراد و گروه‌های تروریستی مستقر در خلیج فارس شکایت کرده است. با تعمیق روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس، اولویت اصلی آنها جلب اعتماد این کشورها درخصوص تلاش‌های خود در زمینه ضدتروریسم بوده است. در چند سال گذشته، هند با همکاری عربستان سعودی و امارات، در این زمینه بویژه در مبارزه با فعالیت‌های مجاهدین هندی و سایر گروه‌های مظنون، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای از خود نشان داده‌اند. مکانیسم به اشتراک‌گذاری اطلاعات در مورد تهدیدات تروریستی، استرداد مجرمان و متهمان ترور

^۱ BDN

تسهیل شده است. پس از حمله تروریستی ۱۱/۲۶ بمبئی، دیپلماسی ضدتروریسم، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را نسبت به نگرانی‌های هند متقاعد کرد و همکاری آنها اکنون مستحکم‌تر است (Roul, 2012). شرایط کشورهای عربی پس از قیام‌های بهار عربی، خشن‌ترین گونه‌های تروریسم را پرورش داده است که دامنه آن به فراتر از شهرهای منطقه غرب آسیا گسترش یافته است. هند و عربستان سعودی یک یادداشت تفاهم جهت همکاری در مبادله اطلاعات مرتبط با پولشویی، تأمین مالی تروریسم و جرائم مربوطه امضا کرده‌اند. دیپورت سید ذبیح‌الدین انصاری، متهم به حمله تروریستی بمبئی در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ پیشرفت قابل توجهی را در همکاری‌های ضدتروریسم میان هند و عربستان بود. اگر به اسناد منتشره وبسایت افشاگر ویکی لیکس درخصوص عربستان سعودی تکیه شود، چشم‌انداز عربستان سعودی درخصوص جنوب آسیا، بویژه درباره مسائلی چون روند صلح افغانستان به هند نزدیک‌تر شده است. با این وجود، ناظران هندی در مورد اینکه آیا عربستان سعودی دیدگاه خود را درباره هند تغییر داده است یا خیر تردید دارند (Ayoob, 2019). با توجه به روابط طولانی‌مدت عربستان سعودی با ارتش پاکستان، مهار ایران و افغانستان، علائق اصلی و اساسی هستند که گفته می‌شود پاکستان را به متحد قابل اعتماد عربستان سعودی تبدیل می‌کند. با این حال منطقه غرب آسیا برای مدتی طولانی تحت رهبری سعودی بوده است، و عربستان سعودی مایل است که با کمک قدرت‌های بزرگ همچنان در این نقش باقی بماند. همزمان با خروج آمریکا از منطقه قدرت‌های دیگر در حال سنجیدن گزینه‌های خود برای شراکت با عربستان سعودی هستند. سومین عامل تعیین کننده سیاست خارجی هند در غرب آسیا حضور بیش از ۷ میلیون کارگر هندی در کشورهای حاشیه خلیج فارس است. در چند سال اخیر، الگوی عرضه نیروی کار هند به خلیج فارس در حال تغییر است. کارگران غیرماهر هندی با پاکستانی‌ها، بنگلادشی‌ها و افراد دیگر ملیت‌ها جایگزین می‌شوند، در حالیکه نیروی کار نیمه ماهر و ماهر از هند افزایش یافته است. دلایل این تغییر الگو شامل ملی شدن بازار کار خلیج فارس، تداوم دستمزد و پس‌انداز کم به دلیل کاهش قیمت انرژی در طی چندین سال اخیر و فشار بر دولت هند جهت فراهم آوردن شرایط کاری بهتر برای کارگران هندی، می‌توان اشاره داشت. وابستگی انرژی هند به منطقه غرب آسیا یکی دیگر از عوامل تعیین کننده سیاست هند در این منطقه است. و از آنجائیکه هند کسری‌های خود در زمینه توسعه را می‌بایست از طریق نرخ رشد بالا جبران کند، احتمالاً وابستگی به حوزه خلیج فارس تداوم خواهد یافت. اگرچه طبق اظهارات آشوک شارما به دلیل اخلاص ناشی از بی‌ثباتی سیاسی، افراط‌گرایی مذهبی، تروریسم و تهدید خطوط تأمین و تدارک، به دولت مودی توصیه می‌شود که به دنبال مقاصد هیدروکربنی نوینی فراتر از کشورهای حوزه خلیج فارس باشد (Sharma, 2020).

در دلایل این اختلالات احتمالی ممکن است که اغراق شده باشد، زیرا که عربستان سعودی ثابت کرده است که حتی در مواقع بحرانی مطمئن‌ترین تأمین‌کننده است. گرچه، سیاست تنوع‌بخشی به مقاصد واردات انرژی هند به معنای ایجاد نوعی استقلال استراتژیک بیشتر در سیاست غرب آسیا است. در سال ۲۰۱۹، واردات نفت هند از منابع غرب آسیا ۱۰ درصد نسبت به سال ۲۰۱۸ کاهش یافت، زیرا ۱/۸ میلیون بشکه در روز از منابع غیر از آسیای غربی بود. به گفته دارمندرا پرادان، وزیر نفت و گاز طبیعی هند، «کاهش وابستگی به خاورمیانه» بخشی از استراتژی هند برای تنوع بخشیدن به منابع نفتی خود است (Economic Times, 2020).

حفظ هند بعنوان سومین مصرف‌کننده بزرگ انرژی در جهان، اولویت اصلی هر تولیدکننده نفت در حوزه خلیج فارس خواهد بود. دولت مودی برای تغییر در عوامل تعیین‌کننده روابط هند در منطقه غرب آسیا نیز به دنبال افزایش حجم تجارت غیرنفتی و جایگزینی وابستگی در حوزه انرژی با وابستگی متقابل تجاری بوده است. روندهای اخیر تنوع تجاری نیز نشان‌دهنده این است که طرفین نگاه خود را به تجارت فراتر از نفت، آغاز نموده‌اند. ابتکارات متنوع کشورهای حوزه خلیج فارس به همکاری هند در زمینه‌های منابع انسانی، اقتصادی و فنی نیازمند است و این یکی از جنبه‌های اساسی در مبادلات دوجانبه اخیر بوده است. هند و عربستان سعودی توافق کردند که روابط خریدار و فروشنده خود را به سوی یک شراکت استراتژیک نزدیک‌تر سوق داده و حرکت کنند، بنحویکه عربستان سعودی تصمیم خود برای سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری در هند را اعلام کرد. این تحولات نشان‌دهنده این است که وابستگی متقابل بین هند و غرب آسیا ممکن است در سال‌های آینده افزایش یابد.

۲۷

نتیجه‌گیری

نگرش‌های هند در سیاست غرب آسیا، توسط دیدگاه‌های ایدئولوژیک مختلف، عمدتاً بین گروه‌های سکولار-ملی‌گرای INC و گروه‌های ملی‌گرای هندو، مورد بحث و مشاجره قرار گرفته است. پس از به قدرت رسیدن یک حزب مبتنی بر ایدئولوژی همچون بهاراتیا جانانا در سال ۲۰۱۴ با حمایت احزاب و جنبش‌های دست راستی هندو مذهب و عده هند ابرقدرت و شکوفایی ملت کهن هندوستان را مطرح کرد. حزب بهاراتیا جانانا ضمن طرح امکان‌بازنگری جامع و وسیع دیدگاه‌ها در خصوص سیاست منطقه غرب آسیا در سطوح سیاست-گذاری و مدیریت ادراک در حوزه عمومی، عدم اطمینان کامل نسبت به اعراب و سیاست تمایل به نزدیکی به اسرائیل را اعلام کرد. اگرچه، در تلاش برای پاسخگویی به مشکلات امنیتی و اقتصادی گسترده‌تری که

هند با آنها مواجه است، عمدتاً افزایش نفوذ چین در سراسر مجاورت زمینی و دریایی هند، سیاست مودی در غرب آسیا عیناً میان عملگرایی و ایدئولوژی، از طریق تحریک و برانگیختن یک سیاست حامی اسرائیل-حامی فلسطین بطور همزمان، سازش ایجاد کرده است. در واقع سیاست خارجی هند تحت زعامت نارندرا مودی همیشه براساس مبانی ایدئولوژیک که مورد حمایت ناسیونالیست‌های هندو است پیش نرفته است و جنبه‌های عمل‌گرایانه نیز داشته است. البته لزوماً تمامی گرایش‌ها و گروه‌های راست‌گرایانه طرفدار مودی در هند به برخی از سیاست‌های عمل‌گرایانه مودی در قبال کشورهای اسلامی غرب آسیا نگاه انتقادی نداشته‌اند بلکه آن را با هدف جلوگیری و حصول اطمینان از عدم اتحاد کشورهای اسلامی تفسیر شده است که در واقع ملحق شدن آنها به یکدیگر می‌تواند منافع هند را تهدید کند. به عبارت دیگر مودی موفق شده است که گفتمان سیاست خارجی هند را در غرب آسیا بگونه‌ای تنظیم کند که هم پایگاه داخلی را راضی نگاه دارد و از طرفی هم تداوم سیاست خارجی را تأمین کند. در حالیکه نگاه در حوزه عمومی حامی اسرائیل، ضد تروریسم اسلامی، ضد عرب و منتقد روایات دوره حزب کنگره ملی از غرب آسیا هستند، جهت‌گیری سیاست‌های اتخاذ شده دولت مودی عمدتاً به سوی توسعه روابط دوجانبه بوده است، بطوریکه نگاه دولت مودی به روابط با غرب آسیا براساس یک بلوک واحد یا مجموعه نبوده است بلکه برپایه یک رویکرد دوجانبه با کشورهای جداگانه روابط خود را تنظیم کرده است و کشورهای عربستان، امارات و اسرائیل را در اولویت قرار داده است. بنابراین این مهم با برقراری تعاملات دوجانبه بیشتر، و اولویت‌بخشی به قدرت‌یابی سعودی‌ها در میانه خروج آمریکا از منطقه انجام شده و نیز براساس ارائه پیشنهاد شراکت متعهدانه‌تر با کشورهای منطقه در زمینه تحقق امنیت مشترک، تجارت و همکاری استراتژیک امکان‌پذیر شده است.

۲۸

فهرست منابع

- 1- Abhyankar, R. M. (2008). *West Asia and the region: Defining India's role*. Academic Foundation.
- 2- Ahmad, T. (2018a). *Bridging the Saudi-Iran Doctrinal and strategic divide: An Indian-led role to shape regional collective security*. In T. Ahmad, T. Niblock, & D. Sun (Eds.), *Conflict resolution and creation of a security community in the Gulf Region* (pp.48–71). Gerlach Press.
- 3- Ahmad, T. (2018b). *Integrating the GCC Countries and Iran in a New Indian ocean economic and security architecture: An Indian diplomatic initiative*. In T. Ahmad, T. Niblock, & D. Sun (Eds.), *The Gulf States, Asia and the Indian Ocean: Ensuring the security of the sea lanes* (pp. 33–70). Gerlach Press.

- 4- Ahmad, T. (2018c, July 2). Why India needs to take a fresh look at China's Belt and Road Initiative. *The Wire*. <https://thewire.in/diplomacy/india-needs-to-take-a-fresh-look-at-the-belt-and-road-initiative-proposal>
- 5- Ahmad, T. (2020, April 27). How Hindutva hatred is Jeopardising India's Gulf ties. *The Wire*. <https://thewire.in/diplomacy/hindutva-india-gulf-ties>
- 6- Anas, O. (2016, May 27). Here's how the Modi government is bridging the Gulf with West Asia. *Firstpost*. <https://www.firstpost.com/world/how-the-modi-govt-is-bridging-the-gulf-with-west-asia-2801312.html>
- 7- Anas, O. (2019, November 7). India and Saudi Arabia reach a long overdue strategic compatibility | ORF. Observer Research Foundation. <https://www.orfonline.org/expertspeak/india-and-saudi-arabia-reach-a-long-overdue-strategic-compatibility-57395/>
- 8- Ansari, M. H. (2008). *Travelling through conflict: Essays on the politics of West Asia*. Dorling Kindersley (India), Licensees of Pearson Education in South Asia.
- 9- Ashwarya, S. (2017). *India-Iran relations: Progress, problems and prospects*. Routledge.
- 10- Aydin, C. (2007). *The politics of Anti-Westernism in Asia: Visions of world order in Pan-Islamic and Pan-Asian thought*. Columbia University Press. <http://gen.lib.rus.ec/book/index.php?md5=b5d74cb6f4516e25fcd30f6b499b9833>
- 11- Aydin, C. (2016). Imperial paradoxes: A caliphate for Subaltern Muslims. *ReOrient*, 1(2), 171–191.
- 12- Ayoob, M. (2019, February 19). *The Saudi-India-Pakistan triangle*. *The Hindu*. <https://www.thehindu.com/opinion/op-ed/thesaudi-india-pakistan-triangle/article26314668.ece>
- 13- Bayly, S. (2004). Imagining 'Greater India': French and Indian visions of colonialism in the Indic mode. *Modern Asian Studies*, 38(3), 703–744.
- 14- Béland, D., & Cox, R. H. (Eds.). (2011). *Ideas and politics in social science research*. New York: Oxford University Press.
- 15- Bhadrakumar, M. K. (2019, November 21). Iran losing patience as India pins hopes on Saudis. *Asia Times*. <https://asiatimes.com/2019/11/iran-losing-patience-as-india-pinshopes-on-saudis/>
- 16- Bharatiya Jan Sangh. (1973). *Bharatiya Jana Sangh: Party documents [1951–1972]*. Bharatiya Jan Sangh.
- 17- Bhatkal, R. G. (1967). *Political alternatives in India* (p. 443). Popular Prakashan.
- 18- BJP. (2014 [1989]). *BJP election manifesto*.

<http://library.bjp.org/jspui/handle/123456789/260>.

- 19- Blyth, M. (2003). "Structures do not come with an instruction sheet: Interests, ideas, and progress in Political Science". *Perspectives on Politics*, 1(4), 695–706.
- 20- Casolari, M. (2000). "Hindutva's Foreign tie-up in the 1930s: Archival evidence". *Economic and Political Weekly*, 35(4), 218–228.
- 21- Chatterjee, B. C. (2016). Anandamath. Auro e-Books.
- 22- Chatterjee, P. (2020). *I am the people: Reflections on popular sovereignty today*. Columbia University Press.
- 23- Chicchelly, M., & Aydin, C. (2017). "The construct of Muslim unity". *Journal of International Affairs*, 71(1), 198–200.
- 24- Dasgupta, P. (1992). "Betrayal of India's Israel policy". *Economic and Political Weekly*, 27(15/16), 767–772.
- 25- Dasgupta, S. (2019). *Awakening Bharat Mata: The political beliefs of the Indian right*. Penguin Random House India Private Limited.
- 26- Debeuf, K. (2017, January 22). The Arab Spring is far from over. POLITICO. <https://www.politico.eu/article/arab-spring-notover-repercussions-for-middle-east-region-unrest/>
- 27- Deccan Herald. (2020, January 29). India keeps mum on East Jerusalem, reacts cautiously on US President Donald Trump's West Asia peace plan. <https://www.deccanherald.com/national/national-politics/india-keeps-mum-on-east-jerusalem-reacts-cautiously-on-us-president-donald-trumps-west-asia-peace-plan-799417.html>
- 28- D'Souza, E. J. (2000). "Nazi propaganda in India". *Social Scientist*, 28(5/6), 77–90.
- 29- Economic Times. (2020, January 20). Middle East share of India's oil imports falls to 4-year low in 2019: Report—ET EnergyWorld. <https://energy.economictimes.indiatimes.com/news/oil-and-gas/middle-east-share-of-indias-oil-imports-falls-to-4-year-low-in-2019-report/73425306>
- 30- Erdman, H. L. (1966). "The foreign policy views of the Indian right". *Pacific Affairs*, 39(1/2), 5–18.
- 31- Fabian, K., Pant, G., Dietl, G., & Singh, S. (2018). "The GCC crisis: One year on". *Institute of Peace and Conflict Studies*.
- 32- Fisher, M. (2012, August 29). Non-aligned with reality: How a global movement for peace became a club for Tyrants. The Atlantic. <https://www.theatlantic.com/international/archive/2012/08/non-aligned-with-reality-how-a-global-movement-for-peace-became-a-club-for-tyrants/261737/>
- 33- Gabon, A. (2018, December 18). Eight years on, the Arab Spring is far from over. Middle East Eye. <http://www.middleeasteye.net/opinion/eight-years-arab-spring-far-over>
- 34- Gharekhan, C. R. (2009). "India and West Asia". *India Quarterly*, 65(4), 405–412.

- 35- Gharekhan, C. R. (2017). India–Israel: Retrospective and prospective. *Strategic Analysis*, 41(4), 314–324. <https://doi.org/10.1080/09700161.2017.1330443>
- 36- Gilani, I. (2020, February 27). India likely to join US to counter China’s global connectivity plans. <https://www.aa.com.tr/en/economy/india-likely-to-join-us-to-counter-china-s-global-connectivity-plans/1746396>
- 37- Godbole, S. (2020, July 7). Opinion | Khilafat: Scriptural sanction and historical antecedents. <https://www.news18.com/news/opinion/khilafat-scriptural-sanction-and-historical-antecedents-2704819.html>
- 38- Heptulla, N. (1991). *Indo-West Asian relations: The Nehru Era*. Allied Publishers.
- 39- Hussain, Z. (2016). *Saudi Arabia in a multipolar world: Changing dynamics*. Routledge.
- 40- Jaishankar, D. (2016, May 26). India’s five foreign policy goals: Great strides, steep challenges. *The Wire*. <https://thewire.in/diplomacy/indias-five-foreign-policy-goals-great-strides-steep-challenges>
- 41- Jewish Telegraphic Agency. (1949, September 22). Hindu nationalist organization asks Indian government to recognise state of Israel. Jewish Telegraphic Agency. <https://www.jta.org/1949/09/22/archive/hindu-nationalist-organization-asks-indian-government-to-recognize-state-of-israel>
- 42- Jewish Telegraphic Agency. (1979). High level contacts reported between Israel, India (p. 4). <https://www.jta.org/1979/06/13/archive/high-level-contacts-reported-between-israel-india>
- 43- Kumaraswamy, P. R. (2010), *India’s Israel policy*. Columbia University Press.
- Levi, W. (1970). “Ideology, interests, and foreign policy”. *International Studies Quarterly*, 14(1), 1–31.
- 44- Mahajan, A. (2017, July 5). Israel is everything the RSS wants India to be, Modi is making it happen. <https://www.dailyo.in/politics/modi-rss-israel-india-muslim-worldbenjamin-netanyahu/story/1/18179.html>
- 45- Mahmood, F., & Azmi, R. (2014). *Foreign policy of India and West Asia: Change and continuity*. New Century Publications.
- 46- Manjapra, K. (2014). *Indian visions of a Germanic home*. In L. Gilder (Ed.), *Age of entanglement* (pp. 88–108). Harvard University Press.
- 47- Maynard, J., & Mildemberger, M. (2018). “Convergence and divergence in the study of ideology: A critical review”. *British Journal of Political Science*, 48(2), 563–589.
- 48- MEA. (1995). Ministry of external affairs foreign affairs records. Ministry of External Affairs, Government of India.
- 49- MEA. (2012, August 22). History and evolution of non-aligned movement.

<https://mea.gov.in/infocusarticle.htm?20349/History+and+Evolution+of+NonAligned+Movement>

- 50- MEA. (n.d.a). About MEA: Profiles: External Affairs Minister: EAM Speeches & Interviews. <https://mea.gov.in/eam-speeches-interviews.htm>
- 51- Mohan, C. R. (2015, December 1). Modi's multilateral moment. The Indian Express. <https://indianexpress.com/article/opinion/columns/raja-mandala-narendra-modi-multilateralmoment-paris-climate-talks/>
- 52- Nandakumar, J. (2020, August 8). Khilafat movement was biggest Gandhian folly. The Sunday Guardian. <https://www.sundayguardianlive.com/opinion/khilafat-movementbiggest-gandhian-folly>
- 53- Pandya, A. (2018, July 14). In India, Wahhabi extremism is a ticking time bomb. Swarajyamag. <https://swarajyamag.com/politics/in-india-wahhabi-extremism-isa-ticking-time-bomb>
- 54- Pant, H. V. (2008). Contemporary debates in Indian foreign and security policy: India negotiates its rise in the international system. Palgrave Macmillan. <https://books.google.com.tr/sqmKHgorsC&dq=Harsh+V+Pant+Contemporary+Debat+es+in+Indian+Foreign+and+Security+Policy&hl=en&sa=X&ved=2ahUKewjFxtTr7b-ooks?id=toIPrAhWhs4sKHSqcBD4Q6AEwAHOECAG>
- 55- Pant, G. (2013a). "Political economy of the Arab uprising: State, market and the street". *Economic and Political Weekly*, 48(16), 33–40.
- 56- Pant, G. (2013b). *Situating the Gulf in India's engagement with emerging Asia*. In T.Niblock & M. Malik (Eds.), *Asia-Gulf economic relations in the 21st century* (pp.123–146). Gerlach Press.
- 57- Pant, G. (2015). Emerging dynamics of US-Gulf engagement: India's policy options. In S.W.
- 58- Hook & T. Niblock (Eds.), *The United States and the Gulf* (pp. 132–150). GerlachPress.
- 59- Pant, H. V. (2016). *India and the Middle East: A fine balance*. In H. V. Pant (Ed.), *Indian foreign policy: An overview* (1st ed., pp. 161–177). Manchester University Press.
- 60- Pasha, A. K. (1995). *India and OIC: Strategy and diplomacy*. Centre for Peace Studies.
- 61- Pasha, A. K. (2003). *Iraq: Sanctions and wars*. Sterling Publishers Pvt. Ltd. Peter, B. (2019, April 24). Ideology, values, and foreign policy. Obo. <https://www.oxfordbibliographies.com/view/document/obo-9780199743292/obo-9780199743292-0262.xml>
- 62- Prabhu, J. A. (2017, June 5). Hindutva and Zionism: Differing in symbols, allied in thought. Swarajyamag. <https://swarajyamag.com/magazine/hindutva-and-zionism-differing-insymbols-allied-in-thought>

- 63- Prabhu, J. (2019, December 22). The Jerusalem resolution: India's UN vote is not the way to win friends. <https://swarajyamag.com/politics/the-jerusalem-resolution-indias-unvote-is-not-the-way-to-win-friends>
- 64- Pradhan, B. (2017). *West Asia in a changing world: The emerging regional architecture and India*. Academic Foundation.
- 65- Prasad, V. (2010). "Why India and Israel were not friends, 1948–1991". *Middle East Report*, 257, 38–39.
- 66- Roul, A. (2012, July 26). A challenge for Pakistan: Saudi Arabia's new counterterrorism cooperation with India. Jamestown. <https://jamestown.org/program/a-challenge-for-pakistan-saudi-arabias-new-counterterrorism-cooperation-with-india/>
- 67- Sahni, A. (2001, September 21). Islamic terrorism is ready to destroy the entire world [in Hindi: Islami Atankwad poori Duniya ke Vinash ke liye Bhi Tayyar hai], <https://www.panchjanya.com/arch/2001/9/23/File16.htm>
- 68- Sathyamurthy, T. V. (1991). "Gulf war and anti-imperialism in West Asia". *Economic and Political Weekly*, 26(20), 1267–1270.
- 69- Scroll. (2017, December 15). Arab leaders want 'stronger statement' from India against Trump's Jerusalem move: The Indian Express [Text]. Scroll.In; <https://scroll.in/latest/861633/arab-leaders-want-stronger-statement-from-india-against-trumps-jerusalem-move-the-indian-express>
- 70- Sharma, A. (2020, February 23). India's quest for energy security. The Pioneer. <https://www.dailypioneer.com/2020/sunday-edition/india---s-quest-for-energy-security.html>
- 71- Shridharani, K. (1941). "India in a changing Asia". *Pacific Affairs*, 14(1), 5–20.
- 72- Singh, S. (2018). *West Asia in transition—Volume II* | Manohar Parrikar Institute for Defence Studies and Analyses. Pentagon Press. <https://idsa.in/book/west-asia-in-transition-vol-ii-2018>
- 73- Siyech, K. T., & Taneja, K. (2019, October). The Islamic State in India's Kerala: A primer. ORF. <https://www.orfonline.org/research/the-islamic-state-in-indias-keralaa-primer-56634/>
- 74- Soami, R. (2017, December 23). India's Jerusalem vote: A case of deft diplomacy by Prime Minister Modi. *Swarajya Magazine*. <https://swarajyamag.com/world/indias-jerusalem-vote-a-case-of-deft-diplomacy-by-prime-minister-modi>
- 75- Stolte, C., & Fischer-Tiné, H. (2012). "Imagining Asia in India: Nationalism and internationalism (ca. 1905–1940)". *Comparative Studies in Society and History*, 54(1), 65–92.
- 76- Tang, S. (2013). *The social evolution of international politics*. Oxford: Oxford University Press.

- 77- The Indian Express. (2017, July 6). Narendra Modi in Israel LIVE updates: It took many years for this visit to happen, PM Modi tells Indian diaspora. <https://indianexpress.com/article/india/pm-narendra-modi-in-israel-live-updates-pm-to-meet-israelipresident-reuven-rivlin-on-second-day-of-visit-benjamin-netanyahu-breakingnews-4736128/>
- 78- The Print. (2020, March 9). S Jaishankar's remark on India's friends: Sign of new confidence or misplaced arrogance? <https://theprint.in/talk-point/s-jaishankars-remarkon-indias-friends-sign-of-new-confidence-or-misplaced-arrogance/378098/>
- 79- Trivedi, R. K. (1982). "Turco-German Intrigue in India during the World War I". *Proceedings of the Indian History Congress*, 43, 653–665.

